

# آموزه‌های دینی در هفت خوان رستم

آسیه ذبیح نیا عمران

استادیار دانشگاه پیام نور

حسین بردخونی

دانشجوی کارشناسی ارشد (دانشگاه پیام نور)

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱

زیر ساخت فکری یک اثر ادبی، مبین دانش و بینش طراح آن است. یکی از آثار برگزیده ادبی، شاهنامه است که ابعاد ایدئولوژیکی شخصیت فردوسی، به عنوان یک شاعر شیعی مذهب، در آن به خوبی نمایان است. بسیاری از آموزه‌های دینی به کاررفته در شاهنامه، مستقیماً از آیات قرآن سرچشمه گرفته است. این مؤلفه‌ها، هم در بعد اصول دین مانند: خدا پرستی، توحید، معاد و عدل و هم در فروع دین، مانند: نماز، جهاد و امر به معروف، شایان توجه است. حیطه بررسی این مقاله، هفت خوان رستم، از منظر ایدئولوژیکی و دینی است. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای نوشته شده و یافته‌های پژوهش به شکل توصیفی ارائه شده‌اند. هفت خوان رستم از جنبه‌های مختلف ادبی بارها پرداخته و تحلیل شده، اما آموزه‌های دینی در آن نادیده گرفته شده است؛ لذا مقاله از این دیدگاه می‌تواند مفید و مؤثر واقع گردد.

**کلیدواژه‌ها:** جهاد، قرآن، توحید، مذهب، عدل، شاهنامه، هفت خوان.

## مقدمه

شخص موحد را داراست. در وهله اول به نظر می‌رسد فردوسی تمام ویژگی‌های یک مؤمن آگاه را به رستم نسبت می‌دهد. گویی او مذهب خود را به رستم تعمیم می‌دهد؛ لذا رستم فردوسی تحت تأثیر مذهب فردوسی است. مقاله حاضر در پی اثبات این

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، شاعری موحد و شیعی مذهب بوده و به طرق گوناگون، در شاهنامه از اثبات و ستایش خداوند سخن گفته است. (صفا، ۱۳۷۵: ۴۸۷/۱) چنین پهلوانی که فردوسی تصویر می‌کند همه مختصات

مدعاست هرچند که در ظاهر، رستم مذهب دیگری دارد، رستم فردوسی متأثر از مذهب فردوسی، شخصی مسلمان است و در دامان یک پدر مهربان و مسلمان پرورش یافته است که تمام اعمال خود از قبیل واجبات و مستحبات را انجام می‌دهد، خدا را به نیکی یاد می‌کند، به عهد خود پایبند است و ده‌ها خصلت برگزیده دارد.

شاید یک وجه متمایز حماسه فردوسی با دیگر حماسه‌های جهان این نکته است که روح پرستش و خداجویی، در زوایای داستان، در رزم و وزم، خود را نمایان می‌سازد.

در حماسه‌ها و اسطوره‌های سایر ملل، کیش و مذهب پهلوان چندان قابل تشخیص نیست، تنها می‌توان به خدا پرست بودن آنان اشاره گذرا کرد. در مورد اخلاقیات نیز در حد کلی گویی است، ولی قهرمان فردوسی، نمادی از یک پهلوان مسلمان است که در طول داستان و حتی در صحنه‌های کارزار، لحظه‌ای خدا را فراموش نمی‌کند و نسبت به انجام فرائض خود کوشاست. در این تحقیق، مؤلفه‌های دینی در

سه زمینه بررسی می‌شود:

۱. اصول دین شامل: توحید، معاد، عدل.

۲. فروع دین شامل: نماز، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد.

۳. عقاید دینی شامل: ذکر نام خدا، بهشت، جهنم، حور و غلمان بهشتی، داستان‌های قرآنی.

برخی نکات مزبور، خود شامل چندین زیر مجموعه می‌شود که در جای خود بررسی و برای هر یک، آیاتی چند از قرآن کریم به عنوان شاهد ذکر شده است. و اگر نکته‌ای در آنها بوده، از نظریات مفسران سود جسته شده است.

## بخش اول: اصول دین

### ۱. توحید

در داستان هفت خوان، رستم در دو جا با گفتن بسم الله، به وحدانیت خداوند اشاره می‌کند:

به نام جهان‌آفرین یک‌خدای

که رستم نگرداند از رخس پای

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۹، ۱)

در سوره‌های اخلاص/۴ و انعام

۱۶۳/، اسراء/۱۱۱ و فرقان/۲، به

وحدانیت حضرت خداوند اشاره شده است.

### ذکر بسم الله

اگر عمل با غفلت از خدا آغاز شود بی نتیجه و «هباء مثنورا» می شود. انسان در پی پناهگاهی مطمئن است تا از اضطراب رهایی یابد. همه ملل دنیا، کارهای مهم خویش را به نام خدایان و ارباب انواع و سلاطین آغاز می کنند و قرآن به پیامبر می آموزد که کارها را با نام خداوند رحمان آغاز کند. (داور پناه، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۴). بسم الله سبب دفع دشمن می شود. در جنگ مازندران، رستم در یکی از صحنه ها با نام خدا نیزه را به دست می گیرد؛ زیرا «گفتن بسم الله، اظهار بندگی و یاری خواستن از خدا، در همه کارهاست.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۳: ۹۱/۱):

جهان جوی کرد از جهان دار یاد

سنان دار، نیزه به دارنده داد  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۵)

بر زبان آوردن بسم الله، در شروع هر کاری سفارش شده است که در شاهنامه به صورت های مختلفی منعکس شده از جمله:

### در هنگام سوار شدن بر مرکب و آغاز مسافرت

تن رخس بسترد و زین بر نهاد  
ز یزدان نیکی دهش کرد یاد  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

### در هنگام بلند شدن از زمین

ببفشرد شمشیر بر دست راست  
به نام جهان دار بر پای خاست  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۴۷/۳)

### در موقع ترس و اضطراب

در رویارویی با عجائب و  
ناشناخته ها، چه پناهگاهی محکم تر از  
خداوند می توان جست؟

بترسید و زان در شگفتی بماند  
فراوان همی نام یزدان بخواند  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۶۱/۳)

### توکل

شواهد بسیاری در این داستان وجود  
دارد که همگی به روشنی نظر حکیم  
توس را در این باره مشخص می کند؛ از  
جمله:

جهان آفریننده یار من است  
سر نره دیوان شکار من است  
تهمت به نیروی جان آفرین  
بکشید بسیار با درد و کین

به نیروی یزدان پیروزگـر

به بخت و به شمشیر تیز و هنر

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۵)

در انتهای آیه ۱۵۹ آل عمران چنین

آمده: پس بر خدا توکل کن؛ زیرا بی گمان

خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

به جایی که تنگ اندر آمد سخن

پناهت بجز پاک یزدان مکن

(همان: ۱۵۷)

## ۲. معاد

گر ایدون که خشنودی از رنج من

بدان گیتی آگنده کن گنج من

(همان: ۱۵۰)

در قرآن کریم ۱۱۵ بار کلمه «آخرت»

تکرار شده است که این اهمیت موضوع

را بیان می‌دارد.

## پاداش و مکافات گناه

به لشکر چنین گفت کاووس شاه

که اکنون مکافات کرده گناه

سزای تو دیدی که یزدان چه کرد

ز دیو و ز جادو برآورد گرد

(همان: ۱۵۹)

همان خدایی که مبالغه‌ای خیر و

شر را نادیده نمی‌گیرد. (زلزال ۸)، در

آیات بسیاری بیان فرموده است که

پاداش و مکافات اعمال را هم در این

دنیا و هم در سرای باقی محاسبه خواهد

کرد.

## مرگ

طبق نص صریح قرآن مجید، انسان

طعم مرگ را می‌چشد و بازگشت همه

به سوی خداست:

نخواهد همی ماند ایـدر کسی

بخواند اگر چه بمـانند بسی

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

در آیات متعددی به مسئله مرگ و

بازگشت انسان اشاره شده است که همگی

متضمن این نکته هستند: هر کسی مرگ را

خواهد چشید و سرانجام به سوی خدا

باز خواهد گشت. پیامبر اسلام می‌فرماید:

«مقصد آدمیزاده، مرگ است؛ آماده شوید

پیش از آنکه مرگ درآید». (نهج الفصاحه،

۱۳۸۵: ۴۲۹، ۴۲۸)

نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت

نه چشم جهان، کس به سوزن بدوخت

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

## نام نیک - صالحات باقیات

کسی کاو جهان را به نام بلند

گذارد، به رفتن نباشد نژند

(همان: ۱۴۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از مرگ، پرونده اعمال انسان بسته می شود و پاداشی به او نمی رسد مگر از سه طریق: ۱. بناها و اشیاء مفیدی که برای استفاده مردم برجا گذاشته است.

۲. سنت هدایتگری به وجود آورده باشد، که بعد از او، مردم به آن عمل کنند.

۳. فرزند صالحی که برای او استغفار کند. (قرشی، ۱۳۶۶: ۱۲/۱۲۰)

پدر چون به فرزند ماند جهان کند آشکارا بر او بر، نهان گر او بفگند فر و نام پدر

تو بیگانه خوانش مخوانش پسر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

## دوزخ

به کردار دوزخ یکی غار دید

تن دیو از تیرگی ناپدید

(همان: ۱۵۸)

در قرآن کریم هر جا که آخرت و بهشتی است در کنار آن جهنم نیز وجود دارد. در بیت یاد شده تاریکی و عمق غار به دوزخ تشبیه شده که در روایات نیز اشاراتی به این مفاهیم به چشم می خورد، از جمله اینکه نقل شده، جهنم

به قدری عمیق است که اگر سنگی داخل آن انداخته شود حدود هفتاد سال طول می کشد به انتهای آن برسد.

## بهشت

توصیفات و تشبیهاتی که فردوسی در جریان داستان مازندران بیان کرده است، همگی برگرفته از آیات و روایاتی است که چهره بهشت را نمایان کرده اند؛ ایماژهایی از قبیل خرمی، فراوانی نعمت، حیوانات، طلا، جواهرات و تزئینات، آسودگی خاطر، حور و غلمان و...

یکی چون بهشت برین، شهر دید  
پر از خرمی بر درش بهر دید  
به هر جای گنجی پراکنده زر

به یک جای دینار سرخ و گهر  
(همان: ۱۴۶)

«در بهشت، نعمت هایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر خاطر کسی گذشته است.» (نهیج الفصاحه، ۱۳۸۵: ۶۳۳).

در سوره فجر، آیه ۷ از شهری به نام «ارم» یاد شده است. برخی عقیده دارند که ارم نام شهر و سرزمین قوم عاد بوده است که بناهای ستون دار داشته است. (عاملی،

۱۳۶۳: ۵۶۳/۸). شهر بسیار زیبایی بوده است که در آن طلا و جواهرات بسیاری به کار برده بودند و «شداد» که می‌خواست بهشتی در زمین بنا کند، آن را ساخت. (بروجردی، ۱۳۴۱: ۴۰۵/۷). تورات از این شهر با نام «آرام» نام می‌برد. (نوبری، ۱۳۹۶: ۸۲۴/۳)

زمین گشت پر سبزه و آب و نم

بیاراست گیتی، چو باغ ارم

جهان چون بهشتی شد آراسته

پر از داد و آگنده از خواسته

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

در توضیح آیه ۵ سوره تکویر،

مفسران بر این عقیده‌اند که تمام

حیوانات اهلی و وحشی فردای قیامت

محشور می‌شوند.

بی‌اندازه گرد اندرش چارپای

بهشتی ست گفتی همیدون به جای

(همان: ۱۴۶)

### حور و غلمان

به هر برزنی بر، فزون از هزار

پرستار با طوق و با گوشوار

پرستنده زین بیشتر با کلاه

به چهره به کردار تابنده‌ماه

(همان: ۱۴۶)

اگرچه در بهشت به خدمتکار نیازی نیست، ولی به جهت تکریم و احترام، غلامانی بسیار زیبارو و پاک‌دامن در اختیار بهشتیان قرار می‌دهند (مکارم، ۱۳۶۶: ۴۳۶/۲۲) و در وصف «حور» بر اساس آیات قرآن و تفاسیر، چنین آمده که، زنان سیه‌چشم بسیار زیبا که در سفیدی مثل لؤلؤ هستند.

### رضوان

بتان بهشتند گویی درست

به گل نارشان روی رضوان بشت

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

در تفسیر آیه ۲۰۱ سوره بقره ﴿رَبَّنَا

آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ...﴾ آمده است که

منظور از «حسنه»، رضوان خدا در

بهشت و آخرت است. (طباطبایی،

۱۳۶۳: ۱۱۰/۲)

### ۳. عدل و داد

اگر دادگر باشی و پاک‌دین

ز هر کس نیابی بجز آفرین

جهاندار اگر دادگر باشدی

ز فرمان او کی گذر باشدی

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

عدالت از صفات جمیل خداوند و

از ارکان و اصول دین مبین اسلام است. در قرآن چند جا صریحاً به آن اشاره شده است. در توضیح آیه ۹۰ سوره نحل، برخی مفسران بر این عقیده‌اند که عدل در اینجا به معنای توحید است. (جرجانی، ۱۳۷۷: ۱۹۲/۵)

چنان چون سزا بد، بدیشان رسید  
ز کشتن کنون دست باید کشید  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

به شادی بر تخت زرین نشست

همی جور و بیداد را در بیست  
(همان: ۱۶۷)

پس از اتمام جنگ مازندران،  
کیکاووس به هر کس به اندازه زحمتی  
که کشیده مزد می‌دهد:

سزاوار هر کس ببخشید گنج  
به‌ویژه کسی کش فزون بود رنج  
(همان: ۱۶۶)

در مورد دیوان اسیر شده نیز، با  
آن‌هایی که به ایران متمایل شدند، کاری  
نداشتند و تنها ناسپاسان و خبیثان را  
کشتند:

ز دیوان هر آن کس که بد ناسپاس  
وز ایشان دل انجمن پر هراس

بفرمودشان تا بریدند سر  
فگندند جایی که بد رهگذر  
(همان: ۱۶۶)

اجرای عدالت در مورد مردم نیازمند  
و جنگ دیده دشمن:

به هشتم در گنج‌ها کرد باز  
ببخشید بر هر که بودش نیاز  
همی گشت یک هفته زین گونه نیز

ببخشید آن را که بایست، چیز  
(همان: ۱۶۶)

## بخش دوم: فروع دین

### ۱. نماز

در پیشگاه خداوند، کیکاووس کلاه  
خود را برمی‌دارد و ایستاده راز و نیاز  
می‌کند:

به هشتم، جهان‌دار کاووس شاه  
ز سر بر گرفت آن کیانی کلاه  
وز آن پس بیامد به جای نماز

همی گفت با داور پاک، راز  
(همان: ۱۶۶، ۱۶۴)

در آیات بسیاری از کلام الله مجید  
نماز خواندن و شیوه اجرای آن آمده  
است؛ و در چند مورد به برپا داشتن نماز  
توصیه شده است. (از جمله: هود/۱۴ و اسراء/۷۸). با اندک تسامح

سوره بدین نام در قرآن کریم وجود دارد.

### نماز و تسبیح خدا

شب تیره تا بر کشد تابناک

نیایش کنم پیش یزدان پاک  
(فردوسی، ۱۳۱۷: ۱۳۳۷/۳)

در چندین آیه در قرآن کریم به ستایش کردن و تسبیح خداوند به هنگام صبح و شام اشاره شده است، و این بدان معناست که: تعظیم و تسبیح کنید و یاد کنید خدا را از بام تا شام. و برخی گفته‌اند، منظور نماز صبح و مغرب است. (بروجردی، ۱۳۴۱: ۳۰۹/۷)

و برخی معتقدند تسبیح خداوند در صبح و عصر و شب واجب است. (نوبری، ۱۳۹۶: ۷۲۲/۳). نیز در آیه ۲۶ از سوره دهر چنین آمده است: به سجده خدا پرداز و شام دراز را به تسبیح و ستایش او صبح گردان.

### نیایش و دعا

در آیات بسیاری از قرآن کریم، حضرت خداوند، بندگان را به دعا دعوت می‌کند. در روایات آمده است: «ای موسی از من آنچه احتیاج داری، درخواست کن.» (طباطبایی، ۱۳۶۳:

می‌توان گفت بیت زیر، طبق صنعت تبادر ادبی بر پای داشتن نماز را در ذهن تداعی می‌کند:

به پیش جهان‌دار گیهان خدای

بیامد همی بود گریان به پای  
(فردوسی، ۱۳۱۷: ۱۶۴)

### سجده در نماز

خاک پیمودن، ظاهراً اشاره به سجده کردن در پیشگاه خداوند است که در چند جا آمده است:

از آن پس بمالید بر خاک روی  
چنین گفت کای داور راست‌گوی  
(همان: ۱۶۴)

علاوه بر آیاتی که در آنها اقامه نماز بیان شده، برخی آیات دیگر به سجده به درگاه الهی اشاره دارند. سجده، اوج بندگی در مقابل خداوند است. در سجده انسان بالاترین نقطه از بدن خود را در پایین‌ترین جا قرار می‌دهد و این نهایت بندگی و «نماینده خضوع کامل» (طالقانی، ۱۳۶۶: ۱۲۰/۱) است. در آیاتی که مسئله سجده بیان شده، به تکبر شیطان و سرپیچی از فرمان خدا نیز اشاره شده است. در بیان اهمیت این مسئله همین بس که یادآوری کنیم یک

۴۸/۲). در شاهنامه آمده است:

تهمتن به یزدان نیایش گرفت

ابر آفرین‌ها فزایش گرفت

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۳)

رسول خدا ﷺ فرمود: «در حوائج و

ناملازمات، به خدا پناه ببرید و تضرع

کنید، که دعا مغز عبادت و سلاح مؤمن

و کلید رحمت است». (طباطبایی، ۱۳۶۳:

۵/۲) و فرمود: «دعای پدر برای

فرزندش پذیرفته می‌شود. و همچون

دعای پیامبر برای امت است». (عاملی،

۱۳۶۳: ۳۰۴/۱) «برخی از آیات قرآن،

مؤمنان را به دعا کردن، وادار می‌نمایند.»

(نجفی، ۱۳۶۴: ۴۰۵/۱)

دعاهایی که در هفت خوان به کار

رفته، دارای مفاهیم عمیق سیاسی،

اخلاقی، اجتماعی و... هستند.

## الف. سیاسی

همه ساله پیروز بادی و شاد

سرت پر ز دانش، دلت پر ز داد

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

## ب. اخلاقی

ز تو دور باد آرز و چشم نیاز

مبادا به تو دست دشمن دراز

(همان: ۱۴۵)

## ج. اجتماعی

به هر سو که آییم واندر شویم

جز از آفرینت سخن نشنویم

(همان: ۱۴۵)

## د. عاطفی

دل تاج داران به تو گرم باد

روانت پر از شرم و آزرم باد

(همان: ۱۶۷)

## ه. روانی

پشیمان مبادی ز کردار خویش

به تو باد روشن دل و دین و کیش

(همان: ۱۴۵)

«استجابت از جانب داعی، کوشش

و طلب اجابت، و از جانب مدعو،

درخواست کوشش برای اجابت است.»

و عبارت «فلیستجیوا لی» در آیه ۱۸۶

بقره، بدین معناست که بکوشید تا در راه

اجابت به سوی من و برای من بر آئید.

(طالقانی، ۱۳۶۶: ۶۸/۲)

بپویم همی تا مگر کردگار

دهد شاه کاووس را زینهار

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

## نقش دعا در دفع بلا

«دعا، موجب دفع بلا می‌شود و

قضای حتمی و بلای نازل شده را برمی

گرداند.» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵: ۲۰۳)

هم ایرانیان را ز چنگال دیو

گشاید بی آزار، کیهان خدیو

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

### دعا سمبل رحمت الهی

در هفت خوان، زن جادو که نماد و

سمبل شیطان است، از رحمت الهی دور

مانده است:

روانش گمان نیایش نداشت

زبانش توان ستایش نداشت

(همان: ۱۵۳)

از پیامبر اسلام منقول است که

عاجزترین مردم کسانی هستند که حال

دعا ندارند و از دعا عاجزند و این بدین

معناست که درهای رحمت و استجابت

را نیز بر روی خویش بسته‌اند.

(طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۰/۲)

### ۲. امر به معروف

شوم گویمش هرچ آید ز پند

ز من گر پذیرد بود سودمند

(همان: ۱۸۸)

در جای جای داستان هفت خوان،

پیر توس از اندرز و امر به معروف غافل

نشده است. اینک به بخشی از نصایح

فردوسی گوش می‌سپاریم:

در هفت خوان، از جمله منکری که

از آن نهی می‌شود ظلم به دیگران و

افزون‌خواهی است که به عنوان کاری

ناپسند، نکوهش شده است؛ چرا که آه و

نفرین مظلوم را در پی خواهد داشت:

تو از خون چندین سر نامدار

ز بهر فرونی درختی مکار

(همان: ۱۴۵)

امر به معروف و نهی از منکر را که

از ویژگی‌های مؤمن است در آیات

متعدد می‌توان یافت؛ از جمله در

سوره نحل/۹۰، آل عمران/۱۱۴ و

اعراف/۱۵۷.

### پند نشنیدن

نرفتم به گفتار تو هوشمند

ز کم‌دانشی بر من آمد گزند

(همان: ۱۴۸)

بجز خردمندان کسی پند و اندرز

نمی‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۸۶/۲).

«منظور کسانی است که عقل خود را به

کار می‌اندازند و صاحب تعقل می‌باشند

و گرنه، هر انسانی عقل دارد.» (قرشی،

۱۳۶۶: ۵۰۸/۱). امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«چه بسیار است پندها و چه اندک‌اند،

پندپذیرندگان» (رضی، ۱۳۷۶: ۲۸۴/۱)

ز پند و خرد گر بگردد سرش

پشیمانی آید ز گیتی برش

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

(بروجردی، ۱۳۴۱: ۲۱۷/۶)

## ۲. دنیا

دنیا و مظاهر آن در سوره‌های قرآن

کریم بسامد بالایی دارد. (در حدود ۱۱۵

مورد)؛ به عنوان نمونه: بقره/۲۰۱، ۱۳۰،

۱۱۴، ۸۵، آل عمران/۱۴۵، ۱۴، ۲۳، ۱۵۲،

نساء/۱۳۴، ۱۰۹، ۹۴، ۷۷، مائده/۲۹، ۴۱،

اعراف/۵۱، ۳۲، یونس/۹۸، یوسف/۱۰۱،

رعد/۴۶ و... در هفت خوان رستم هم

به دنیا اشاره شده است:

چنین است رسم سرای کهن

سرش هیچ پیدا نبینی ز بن

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: «دنیا فریبنده

و زیانبار است. مردم دنیا مثل کاروانیانی

هستند که هنوز فرود نیامده، بانگ رحیل

می دهند و به ناچار باید کوچ کنند.»

(رضی، ۱۳۷۶: ۴۰۵)

چو رسم بدش باز داند کسی

نخواهد که ماند به گیتی بسی

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

امام علی: «تلخ کامی دنیا، شیرین

کامی آخرت است و شیرین کامی دنیا،

تلخ کامی آخرت.» (رضی، ۱۳۷۶: ۲۳۹)

## بخش سوم: عقاید دینی

### ۱. مشورت

با بروز مشکل، سران لشکری،

تشکیل جلسه دادند و مسئله را به

شوری گذاشتند:

از آن پس یکی انجمن ساختند

ز گفتار او دل نپرداختند

نشستند و گفتند با یک‌دگر

که از بخت ما را چه آمد به سر

(همان: ۱۴۳)

در سوره‌های آل عمران، آیه ۱۵۹ و

شوری، آیه ۳۸، به امر شوری اشاره شده

است. امروزه نیز در کارهای اجتماعی و

هم در امر حکومت، عده‌ای صاحب

نظر، که گاه ممکن است دیدگاه‌های

متفاوت داشته باشند، ابعاد یک موضوع

را بررسی می‌کنند. از پیامبر مکرم

اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: انسان مستبد و

خود رای، سعادت‌مند نمی‌شود و آن

کسی که مشورت کند، پشیمان نمی‌شود.

### ۳. وفای به عهد

به پیمان شکستن نه اندر خوری

که شیر ژیانی و کی منظری

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

در آیاتی چند از کتاب آسمانی ما

مسلمانان عهد بستن و پذیرفتن

مسئولیت در قبال وفای به آن توصیه

شده است. در جنگ مازندران رستم

متعهد می‌شود که در قبال همکاری

«اولاد» او را حاکم مازندران کند. رستم

که پهلوانی است خدا شناس، در آخر

داستان باآسودگی خاطر مازندران را

ترک می‌کند؛ چون به عهد خود وفا کرده

است.

### که جمشید با فر و انگشتری

به فرمان او دیو و مرغ و پری

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

داستان حضرت سلیمان و گستره

مکنت و سپاه او که از اجنه و پرندگان

بودند، در سوره نمل بیان شده است.

### ۵. خرد

از رسول خدا ﷺ نقل شده است که

فرمود: «خدای تعالی هیچ نعمتی را بین

بندگان تقسیم نکرده که گرانمایه‌تر از

عقل باشد . . . و خداوند هیچ پیامبری را

مبعوث نفرموده، مگر بعد از آنکه عقل

او را به کمال رسانید.» (طباطبایی،

۱۳۶۳: ۶۲۰/۲)

حکمت، همان عقل است . چون

صاحب خود را از جهل و نادانی دور

می‌کند و دوری از شیطان، مولود عقل و

حکمت است. (نجفی، ۱۳۶۴: ۱۵۶/۲)

خرد داد و گردان سپهر آفرید

درشتی و تندی و مهر آفرید

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

### ۶. شیطان (اهریمن)

بگوید که این اهرمن داد ییاد

در دیو هرگز نباید گشاد

(همان: ۱۴۸)

### ۴. داستان‌های قرآنی

به دل گفت رستم گر امروز جان

بماند به من، زنده‌ام جاودان

(همان: ۱۵۸)

سوره کهف آیه ۷۸ به داستان

حضرت موسی و خضر اشاره دارد. اگر

چه در قرآن و تفاسیر موجود به زندگی

جاودان و آب زندگی اشاره‌ای نشده

است، ولی بر طبق سنن ادبی و روایات

سامیان، خضر آب حیات نوشیده و عمر

ابد یافته است. (عمید، ۱۳۶۳: ذیل لغت)

کلمه «دیو» در عهد باستان، به گروهی از پروردگاران آریایی اطلاق می‌شده، ولی پس از ظهور زرتشت، دیوان را شیاطین نامیدند. (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۶/۳). کلمه ابلیس نسبت به شیطان در قرآن کریم بسامد بالاتری دارد. در توضیح آیه ۳۴ سوره بقره برخی مفسران بیان داشته‌اند که ابلیس از جن است و برخی دیگر او را از جنس ملائکه می‌دانند. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۶۴/۱)

که آن خانه دیو افسونگر است

طلسم است وز بند جادو در است  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

همچنین اصطلاحاتی از قبیل: جادو، سحر، طلسم، افسون و... از عقاید عامه در مورد شیاطین و دیوان حکایت می‌کند. در سوره‌های فلق آیه ۴ و ناس، آیه ۵، توصیه شده است از شر وسوسه‌ها و جادوی شیاطین به خدا پناه ببرید.

## نتیجه

شاهنامه کتابی است که می‌توان زندگی و اعتقادات ایرانیان باستان را در آن مطالعه کرد. با جمع بندی مطالب یادشده، نکاتی در ختام مقاله به عنوان

حاصل این جستار بیان می‌شود. شخصیت‌های داستان به سه گونه، ذکر یزدان را بر زبان می‌آورند:

۱. در مصائب و جنگ‌ها؛

۲. در نعمت‌ها و برخورداریه‌ها (شکر گزاری)؛

۳. در جریان امور زندگی و حوادث جاری.

در سپاه دشمن و دیوان حتی یک بار هم نام خدا آورده نمی‌شود و آنچه در ذهن شخصیت‌های داستان نمود می‌یابد از اعتقاد صرف فراتر رفته، شامل اعمال و مناسک مذهبی نیز می‌شود. در اینجا ذکر یک نکته پر اهمیت می‌نماید که: بر اساس تعالیم دین اسلام جنگ با نفس و شیطان درون با عنوان «جهاد اکبر» یاد شده است. پس کل هفت خوان رکنی از ارکان فروع دین است.

در پایان، در اساطیر جهان، جنگ‌ها برای کشورگشایی یا احقاق حق است، یا اینکه دو پهلوان در دو جبهه خیر و شر، رو در روی یکدیگر به نبرد می‌پردازند، ولی در شاهنامه، مهم‌ترین دشمن، دیوان و شیاطین هستند که در شکلی و رنگی به مصاف پهلوان می‌آیند.

## منابع

- ۱۳- عمید، حسن، *فرهنگ تک جلدی عمید*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۴- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه* (بر اساس نسخه مسکو)، ویراسته اصغر عرفانیان فرد، چاپ هفتم: تهران، پیمان، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، *شاهنامه* (دستنویس موزه فلورانس)، تصحیح عزیزالله جوینی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۶- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، قم، موسسه در راه حق، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۷- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، واحد تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶ ش.
- ۲۰- نجفی، محمد جواد، *تفسیر آسان*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- ۲۱- *نهج البلاغه*، سید شریف رضی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۲- *نهج الفصاحه*: سخنان گهربار حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ترجمه ابراهیم احمدیان، چاپ چهارم: قم، گلستان، ۱۳۸۵ ش.
- ۲۳- هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ش.

- الجرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الاذهان وجلاء الاحزان* (تفسیر گازر)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
- العلوی الحسینی الموسوی، محمد کریم، *تفسیر کشف الحقایق عن نکات الآيات و الدقایق*، تهران، عبدالحمید- صادق نوبری، ۱۳۹۶ ق.
- ۴- بانوی اصفهانی (امین اصفهانی)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآنی (کنز العرفان)*، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- ۵- بروجردی، سیدابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، صدر، ۱۳۴۱ ش.
- ۶- داورپناه، ابوالفضل، *تفسیر انوار العرفان*، تهران، صدر، ۱۳۷۵ ش.
- ۸- صفاء، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، فردوسی، ۱۳۷۵ ش.
- ۹- طالقانی، سید محمود، *تفسیر پرتوی از قرآن*، تهران، انتشار، ۱۳۶۶ ش.
- ۱۰- طباطبایی، سید محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۱- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم: تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۶ ش.
- ۱۲- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تهران، صدوق، ۱۳۶۳ ش.